# یلدای چارسو در تب و تاب «حقیقت»

## منتخبان هفدهمین جشنواره سینما حقیقت امروز معرفی می‌شوند

گزارش

**فرهنگی/** پرونده هفدهمین دوره جشنواره «سینما حقیقت» عصر امروز با معرفی برگزیدگان بسته می‌شود. تب و تاب مهم‌ترین رویداد سینمای مستند در حالی در روزهای پایانی بالا گرفت که از یک سو حضور چهره‌های شناخته شده بین‌المللی همچون جیمز لانگلی و اوویدیو سالازار در ترکیب میهمان خارجی و از سوی دیگر حضور رضا میرکریمی در ترکیب داوران بخش بین‌الملل توجه‌ها را به این بخش از جشنواره جلب کرد. رقابت فیلمسازان بخش ملی هم علاوه بر دریافت بازخورد اهالی رسانه و منتقدان در کاخ جشنواره، با معرفی سه فیلم پرمخاطب در اکران آنلاین گرم‌تر شد.

### پرمخاطب‌های کاخ جشنواره و اکران آنلاین

تنور سومین روز جشنواره را اکران مستند «احمد» به کارگردانی مصطفی رزاق کریمی گرم کرد. این فیلم که درباره زندگی و زمانه مرحوم حاج سیداحمد خمینی است پرمخاطب‌ترین مستند چهارشنبه ۲۹ آذرماه بود. «خانواده خلج» و «قویدل» در دو روز ابتدایی جشنواره این عنوان را از آن خود کردند. در بخش اکران آنلاین که امسال رایگان نبود و بلیت‌فروشی برای تماشای آثار در سایت هاشور انجام شد، شرایط متفاوت بود و سه فیلم «پرونده تمرد من» به کارگردانی مسعود دهنوی، «رزیدنت» به کارگردانی امیرمحمد کوچک‌زاده و «پدگر» به کارگردانی محمدرضا خوش‌فرمان پرمخاطب‌ترین آثار اکران آنلاین شدند. محمد حمیدی‌مقدم دبیر این رویداد، از خنثی نبودن و خلاقه و دردمندبودن به عنوان ویژگی‌های آثار جشنواره هفدهم نام برده و در عین حال امیدواری به آینده را شاخصه و سرفصل ویژه آن عنوان کرده است.

> محمد حمیدی‌مقدم دبیر این رویداد، از خنثی نبودن و خلاقه و دردمندبودن به عنوان ویژگی‌های آثار جشنواره هفدهم نام برده و در عین حال امیدواری به آینده را شاخصه و سرفصل ویژه آن عنوان کرده است

### بزرگداشت‌ها و کارگاه‌های آموزشی پررونق

روزهای آغازین جشنواره امسال به یاد مرتضی پورصمدی، فیلمبردار فقید سینمای ایران گره خورد و «سینما حقیقت» در ادامه با برگزاری بزرگداشت مهرداد زاهدیان و اصغر بختیاری از این دو چهره مطرح مستند تقدیر کرد. در مراسم بزرگداشت اصغر بختیاری تهیه‌کننده و مستندساز و از همکاران شهید سیدمرتضی آوینی با حضور یاران روایت فتح از او برای یک عمر جهاد خالصانه جهت ثبت حقیقت تقدیر شد. در مراسمی دیگر نشان عالی سینماحقیقت به مهرداد زاهدیان فیلمساز و مستندسازی که پژوهش در آثارش اولویت دارد اهدا شد. برگزاری کارگاه‌های انتقال تجربه از جمله بخش‌های جانبی جشنواره است که امسال به خاطر حضور چهره‌های شاخص با استقبال همراه شده است. کارگاه «تک‌نگاری در سینمای مستند» با حضور فرهاد ورهرام و «تجربه‌های جدید من در فیلمسازی مستند» با حضور مهرداد اسکویی با استقبال بی‌نظیر مخاطبان برگزار شد. از نکات قابل توجه کارگاه‌های آموزشی روز چهارم جشنواره حضور جیمز لانگلی فیلمساز امریکایی بود. لانگلی که مستند معروف «نوار غزه» را کارگردانی کرده در این کارگاه با انتقاد از سیستم امریکا به این موضوع اشاره کرد که غرب، علاقه‌مند است ایران وارد جنگ شود.

### جیمز لانگلی و سالازار در تهران

امسال در هفدهمین دوره جشنواره «سینما حقیقت» مستند سازان و میهمانانی از کشورهای دیگر به ایران آمده و در خانه جشنواره حاضر شدند. جیمز لانگلی مستندساز و عکاس، آرلین کلمشا استاد دانشگاه سائوپائولو، هانا پولاک کارگردان، تهیه‌کننده و فیلمبردار، عاید نباء فیلمنامه‌نویس و کارگردان اردنی-فلسطینی، شهیدالعلم عکاس معلم و فعال اجتماعی بنگلادشی، اوودیو سالازار مستندساز امریکایی و سوینچ یشیلتاش مستندساز اهل ترکیه میهمانان خارجی جشنواره هفدهم هستند. جیمز لانگلی مستندسازی است که دو دهه گذشته خود را صرف انتقال واقعیت‌های تلخ دنیای درونی غیرنظامیان گرفتار جنگ مانند عراق، افغانستان و غزه کرده است. «نوار غزه» اولین مستند او است. پنجشنبه ۳۰ دی‌ماه همزمان با آیین شب یلدا، میهمانان خارجی با حضور در کاخ جشنواره با محمد حمیدی مقدم دیدار داشتند و با میز شب یلدایی جشنواره عکس یادگاری گرفتند.

### توصیه‌های میرکریمی برای سینما حقیقت

در فاصله یک روز مانده به پایان جشنواره فهرست داوران بخش ملی و بین‌الملل هم اعلام شد. رضا میرکریمی دبیر جشنواره جهانی فجر از جمله داوران بخش بین‌الملل در بخش مستند بلند، از جمله چهره‌های شناخته شده سینمای ایران بود که در روزهای پایانی در چارسو حضور یافت. او که برای مراسم بزرگداشت اصغر بختیاری به کاخ جشنواره آمده بود، در اینستاگرامش تماشای دو مستند «احمد» و «بحران خاموش» را توصیه کرده است. میرکریمی «احمد» را فیلمی با نگاهی مصلحانه و عبرت‌آموز به تاریخ معاصر و سرشار از ناگفته‌ها عنوان کرده و درباره «بحران خاموش» نوشته است: «مستندی که باید دید. فیلمی از حسین حقیقی عزیز که پیام هولناکش را تأثیرگذار و هنرمندانه به تصویر می‌کشد.» جمعه اول دی ماه و در آخرین روز جشنواره ۴۹ فیلم اکران، ۲ کارگاه و ۲ نشست بررسی فیلم برگزار و از کتاب جدید احمد ضابطی جهرمی رونمایی شد.

### متفاوت از توصیف رسانه‌های رسمی

برش

**محمد تقی‌زاده/ منتقد**

یکی از تمهیدات جالبی که محمدعلی فارسی در مقام کارگردان در مسیر روایت مستند ایجاد کرده، تعلیقی است که در معرفی این شهید دفاع مقدسی طراحی شده است یعنی برخلاف بسیاری از آثار اینچنینی که در ابتدا نام شهید عنوان می‌شود و مدام از آن یاد می‌شود در طول مستند «بی‌قرار» بتدریج از نام و عنوان شهید بزرگوار پرده‌برداری می‌شود و هرچه به انتهای فیلم نزدیک می‌شویم اطلاعات و آدرس‌های بیشتر و دقیق‌تری در ارتباط با مشخصات ایشان ارائه می‌شود. «بی‌قرار» به ماجرای بی‌قراری حاج قاسم سلیمانی و شهید «حسین یوسف الهی» می‌پردازد که سال‌ها رفیق و یار همدیگر بوده‌اند و بخش مهمی از مستند به توصیفات و صحبت‌های حاج قاسم درباره شهید یوسف‌الهی مربوط می‌شود که مزار ایشان در کنار مزار حاج قاسم قرار گرفته است. «بی‌قرار» فضایی دفاع‌مقدسی و عرفانی دارد و از جمله مستندهایی است که درباره یکی از شهدای جنگ تحمیلی ساخته شده است. این مستند نیز از روش مصاحبه و بازسازی برای به تصویر درآوردن جزئیات و توصیفات مورد نظر خود استفاده کرده و در طول فیلم شاهد افراد متخصص و مرتبط زیادی هستیم که جلوی دوربین می‌آیند و از شهید بزرگوار خاطره یا نکته‌ای را بیان می‌کنند. در مقابل، بازسازی‌هایی که فیلمساز برای به تصویر درآوردن هرچه بهتر خاطرات و ماجراهای پیش‌آمده ساخته است، آنچنان جذاب و گیرا به نظر نمی‌رسد و حداقل جذابیت بخش مصاحبه‌ها را ندارد. شخصیت شهید یوسف الهی و تمایزی که وی با شمایل توصیف شده از شهدا داشته یکی از تأکیداتی است که مستندساز روی آن تمرکز داشته و از جمله جذابیت‌های شخصیت فردی این شهید محسوب می‌شود؛ برای نمونه در مستند عنوان می‌شود که شهدا و رزمندگان همواره با ریش بلند، تسبیح به دست و شمایل مذهبی و سنتی شناخته می‌شوند در حالی‌که شهید یوسف الهی با سر و شکلی متمایز و امروزی، پیراهن آستین کوتاه و شلوار لی توصیف می‌شود که هم از نظر همرزمان و دیگر بسیجیان حاضر در مستند و هم از نظر مخاطبان مستند می‌تواند متفاوت با دیگر شهدایی باشد که در ذهن دارند و در رسانه‌های رسمی توصیف شدند.

### سنت‌ها و عقاید غلط در چالش پسرزایی

برش

چالش زادوولد در سال‌های اخیر به یکی از بحران‌های جامعه بدل و پیش‌بینی شده در دهه‌های آینده جامعه ایران به دلیل نبود زادوولد کافی، کشوری پیر خواهد بود. مسأله مستند «سونوگرافی» اما اندکی متفاوت است و هایده مرادی در مقام سازنده فیلم به یک چالش محلی و بومی در کشور یعنی تمایل خانواده‌ها برای پسرزایی و برخورد نامطلوب با نوزادان دختر پرداخته است. «سونوگرافی» داستان زنانی است که به دلایل مختلف نمی‌خواهند پسر به دنیا بیاورند؛ گروهی مشکلات خانوادگی و فشار همسر و خانواده همسر را دلیل این تصمیم عنوان می‌کنند و گروه دیگر محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی را که در ایران وجود دارد، عامل این تصمیم خود خوانده‌اند. مسیر پسرزا بودن یکی از پرداخت‌ها و مسیرهای جالب فیلم است؛ برخی از زنان به اطبای پزشکی مراجعه می‌کنند و با تقویت و مصرف برخی داروها، احتمال ۳۰ تا ۴۰ درصدی داشتن پسر را وعده می‌گیرند این در حالی است که در ابتدای فیلم مسیرهایی بررسی می‌شود که مادران حامله به سراغ دعانویس‌ها می‌روند تا از خلل چنین راهکارهایی فرزند خود را پسر کنند.

در مستند «سونوگرافی» علاوه بر رویکرد اجتماعی و فرهنگی، چالش‌های اقتصادی و جامعه شناختی این تصمیمات نیز مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد چنانچه با ناراحتی پزشکان و کارشناسانی مواجه هستیم که تمایل بی‌حد و حصر خانواده‌ها برای پسرزا بودن را مخالف خلقت خداوند و طبیعت خواندند و پیش‌بینی کردند با این روند، با کمبود دختر در سال‌های آتی روبه‌رو خواهیم بود.

«سونوگرافی» نمایش سنت‌ها و عقاید غلط برخی اقوام ایرانی است که برای نمونه در جریان بچه‌دار شدن و پسربودن آن نمود پیدا می‌کند. این سنت‌ها در بسیاری از طوایف و اقوام دیگر به گونه‌ها و شکل‌های مختلف ظهور و بروز پیدا می‌کند و در حالی‌که با پیشرفت علم و تکنولوژی و ارتباط با جامعه جهانی بسیاری از مشکلات در شهرهای بزرگ کشور حل شده، برخی چالش‌های فرهنگی -عقیدتی در شهرهای کوچک‌تر وجود دارد که بشدت خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### تصویری باورپذیر از تقابل قهرمان و ضد قهرمان

برش

«عیدوک» به طور مستقیم به وصف حاج قاسم نمی‌پردازد و عمده توصیفات و روایت‌های آن در جریان برخوردها، کنش‌ها و ماجراها و با نشان دادن واقعیت موضوعات محقق می‌شود. در مستندهای این چنینی عمدتاً شاهد این رویه بودیم که فیلمساز به قصد تمجید و پاسداشت مقام قاسم سلیمانی، آنقدر دچار اغراق، بزرگنمایی و احساس‌گرایی می‌شود که کارکرد تأثیرگذاری و باورپذیری مستند از دست می‌رود. تقابل قهرمان و ضدقهرمان یکی از الگوهای جذاب در سینمای داستانی است که در صورت پرداخت مناسب می‌تواند مؤثر و همراه‌کننده باشد. یکی از آسیب‌های این نوع نگاه در سینمای داستانی و مستند ایران پرداخت بیش از حد منفی به ضدقهرمان برای تضعیف جایگاه آن است این در حالی است که تجربیات آثار خوب سینمایی نشان داده که هرچه قدر ضدقهرمان داستان قوی‌تر و سرزنده‌تر باشد، نبرد آن با قهرمان جذاب‌تر و تماشایی‌تر و اصولاً ارزش قهرمان مضاعف می‌شود. در «عیدوک» امیر عسگری سعی شده شخصیت ضدقهرمان روایت که همان عیدوک بامری است به قوی‌ترین شکل ممکن تصویر شود و از همین جاست که می‌توان به فرمی سینمایی و هنری، ارزش‌های نظامی و فردی حاج قاسم سلیمانی درک و دریافت شود. عیدوک یکی از سران قدرتمند اشرار در منطقه جنوب شرقی است که سال‌ها مناطق آن جغرافیا در سیطره اقدامات شرارت‌بار وی از قتل و تجاوز تا دزدی و غارت قرار گرفته بود و افراد زیادی نیز در خدمت وی به این اعمال می‌پرداختند تا اینکه اراده قاسم سلیمانی که در آن زمان در منطقه کرمان خدمت می‌کرده برای نابودی این مافیا باعث نبرد چندین و چند روزه سپاه با اشرار در منطقه‌ای به نام آورتین شد که نتیجه آن دستگیری سران قبایل اشرار بجز عیدوک بود. ماجرای عیدوک تاحدی فرق داشت و بعد از متواری شدن او در کوه‌ها، سپاه موفق به دستگیری وی نشد اما این پایان رویارویی قاسم سلیمانی و عیدوک بامری نبود و در نهایت شاهد این بودیم که عیدوک خود را به حاج قاسم تحویل می‌دهد. از نکات متمایز مستند «عیدوک»، حجم تصاویر آرشیوی بکر و دیده‌نشده‌ای است که سازندگان فیلم برای مستندکردن رویدادها از آن به بهترین نحو استفاده کردند و همین ارزش پژوهشی و استنادی کار را دوچندان افزایش داده است.

## فرازونشیب هم‌مسیر شدن جهادگران «خمینی‌شهر» در گفت‌وگو با کارگردان این مستند

# همسفر ارمنی حاج عبدالله

حاج عبدالله والی، نامی شناخته‌شده اما هنوز منحصر به فرد است که همچنان ناگفته‌های زیادی درباره او وجود دارد. مستند «همسفر» که سازمان اوج، تهیه و پشتیبانی تولید آن را بر عهده داشته، امسال در بخش شهید آوینی در جشنواره حقیقت حضور دارد تا بخش دیگری از این ناگفته‌ها را در فضایی صمیمی، تازه و با بیانی خوش‌ریتم و پرکشش بازگو کند.

محمدحسین حیدری کارگردان این مستند درباره آن می‌گوید: «شکل‌گیری این مستند برمبنای یک سفارش برای ساخت مستندی درباره روبرت شاهوردیان بود. این فرد یک مکانیک ارمنی است که به مدت ۳۰ سال ماشین‌های راه‌سازی را در منطقه محروم بشاگرد تعمیر می‌کرده است. وقتی تحقیقاتمان درباره این فرد را کلید زدیم در مسیر خود به خانواده والی رسیدیم و از این خانواده به شخصیت عبدالله والی نزدیک شدیم. در این مرحله دیدیم همه داستان‌ها حول محور حاج‌عبدالله بوده است.»

او سوژه را این طور توضیح می‌دهد: «گاهی یک سفر دو سه روزه، در زندگی یک فرد، تبدیل به بهانه‌ای برای رفت‌وآمدی مدام به یک منطقه می‌شود و این اتفاقی است که برای خیلی از افراد در منطقه بشاگرد رخ داده بود. حاج عبدالله برای فعالیت‌های خود، باورها و اعتقاداتی داشت اما افراد دیگر هم با او همراه می‌شوند. گویی او برای عبور از مشکلات این سفر، به‌دنبال تعدادی همسفر بوده است. این همسفران ابتدا اعضای خانواده‌اش بودند و بعد افراد دیگری هم با او همراه شدند که یکی از آنها همین مکانیک ارمنی بوده است.»

در این مستند گروهی از همکاران حاج عبدالله به مرور به روایت اضافه می‌شوند و هر کدام درباره یکدیگر به نقل خاطراتی جالب می‌پردازند. حیدری درباره شکل‌گیری این روابط و همراه شدن آدم‌ها می‌افزاید: «از جایی به بعد نفرات بعدی هستند که می‌خواهند حاج‌عبدالله همسفر آنها باشد و همه اتفاقات حول محور این شخصیت شکل می‌گیرد. او باعث می‌شود که این افراد به همه سختی‌های این مسیر تن بدهند، آن هم برای فعالیت در فضایی که نه امکانات دارد، نه ساعت کاری و نه درآمد آنچنانی. همه اینها به‌خاطر یک شخص تن به این شرایط دادند.»

این کارگردان در عین حال تأکید می‌کند: «نمی‌توان گفت روایت «همسفر» متمرکز بر شخصیت حاج‌عبدالله بوده است. می‌توان گفت تمرکز ما روی خانواده والی در درجه اول و شخصیت روبن یا همان روبرت در درجه بعدی است. به گونه‌ای می‌توان گفت ما از طریق روبن و برادران والی، حاج عبدالله را می‌شناسیم.»

وی درباره منابع تحقیقاتی خود برای ساخت این مستند نیز می‌گوید: «کتاب خیلی خوبی با عنوان «تا خمینی‌شهر» درباره عبدالله والی منتشر شده است که از آن استفاده کردیم. از سوی دیگر با خود برادران والی هم گفت‌وگوهایی داشتیم و همزمان براساس تحقیقات میدانی هم اطلاعاتی را گردآوری کردیم. درباره مستند «صدسال تنهایی» که پیش‌تر درباره این شخصیت ساخته شده بود هم با کارگردانش، آقای فارسی گفت‌وگوهایی داشتیم. از این منظر فرایند تحقیقات ما خیلی زمان‌بر و طولانی بود.»

«همسفر» اما روایتی دوپاره دارد که در نیمه اول بر شخصیت حاج‌عبدالله متمرکز است و از نیمه دوم سراغ شخصیت روبن می‌رود. کارگردان در این باره توضیح می‌دهد: «ما ابتدا می‌خواستیم شخصیتی را به مخاطب معرفی کنیم. طبیعتاً باید از خاستگاه حاج‌عبدالله، محل تولد و روابطش با برادرانش صحبت می‌کردیم. وقتی این شخصیت کامل شکل گرفت، بعد می‌توانستیم سراغ این موضوع برویم که چرا شخصیتی مانند روبن، جذب حاج‌عبدالله شده است. اگر آن مقدمه را نداشتیم، شاید جریان روبن هم برای مخاطب ملموس نمی‌شد. به‌دلیل همین ساختار هم نام مستند «همسفر» است. از این منظر علاوه‌بر حاج‌عبدالله و روبن، برادران والی هم در این روایت سهم داشته‌اند. داستان اصلی مستندگویی درباره جاده و مسیری است که این افراد با هم در آن قدم زدند و با هم هم‌مسیر شدند.»

کارگردان مستند «همسفر» ماهیت مأموریت حاج‌عبدالله در منطقه بشاگرد را این طور تصویر می‌کند: «سفر حاج‌عبدالله در واقع برای شناسایی وضعیت بشاگرد و ارائه گزارش به کمیته امداد درباره محرومیت‌های این منطقه بوده است اما وقتی عازم آنجا می‌شود و شرایط را می‌بیند، خودش ماندگار می‌شود. از این منظر سفر حاج‌عبدالله خودجوش نبوده اما ماندگاری‌اش در آنجا و اقداماتی را که انجام داده است هم نمی‌توان ارگانی و دولتی دانست. چیزی در حدود ۷۰ درصد اتفاقاتی که بعد از آن هم در منطقه بشاگرد رقم خورده، از منابع خیریه بوده و سازمان‌ها و نهادها تأثیر آنچنانی در آن نداشته‌اند.»

وی می‌افزاید: «در حال و هوای دهه ۶۰ و سال‌های جنگ، این روحیه در میان مردم وجود داشته و شخصیت‌هایی مانند حاج‌عبدالله هم بودند که چندان برایشان اهمیت نداشته که چه کسی به آنها مأموریت می‌دهد، مهم برایش کاری بوده که باید انجام می‌داده است. اگر همه این افراد می‌خواستند در آن سال‌ها منتظر اقدامات سیستمی و تصمیمات اداری باشند، هیچ‌یک از این اقدامات شکل نمی‌گرفت و کار پیش نمی‌رفت. درباره این مدل اقدامات، مأموریت اولیه چندان مهم نیست، فعالیتی که بعدها دنبال شده مهم است.»

اما باور شخصیتی که تا این اندازه به فعالیت جهادی بپردازد شاید برای بخشی از مردم به سختی باورپذیر باشد. این مستندساز درباره باورپذیر بودن اقدامات کاراکتر اصلی مستند خود برای آدم‌های جامعه امروز می‌گوید: «در ابتدا اشاره می‌شود که به حاج‌عبدالله مأموریت می‌دهند به منطقه‌ای برود که برای ۷ سال هیچ خبری از او نباشد و او می‌پذیرد، پس تصمیم برای رفتن به این منطقه شخصی نبوده و بیشتر سروشکل مأموریت داشته است اما مهم بعد از آن است که وقتی حاج‌عبدالله شرایط را به چشم می‌بیند، تصمیم می‌گیرد بماند و تا جایی که می‌تواند شرایط را سامان دهد.» حیدری درباره مسیر ساخت فیلم اضافه می‌کند: «ما برای ساخت مستند، زمان مشخصی در اختیار داشتیم. بخش‌های ابتدایی را به معرفی شخصیت و موقعیت اختصاص دادیم و اگر می‌خواستیم با جزئیات بیشتری به این موارد بپردازیم، طبیعتاً باید زمان بیشتری هم به آن اختصاص می‌دادیم. ما بیشتر به‌دنبال تصویر کردن یک فضای کلی از منطقه بشاگرد و رابطه حاج‌عبدالله با برادران و افراد گروهش بودیم. به پشتوانه همین تصویرسازی وقتی روبن می‌گوید که عاشق حاج‌عبدالله شده است، مخاطب متوجه دلیل آن می‌شود. مهم برایمان همین باورپذیری بود.»

گزارش

## آیین رونمایی بیست‌وپنجمین جلد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد

# نقش مهم ایرانیان در شکوفایی تمدن اسلامی

**گروه فرهنگی/** آیین رونمایی از بیست و پنجمین جلد دایرة المعارف بزرگ اسلامی در حضور جمعی از اهالی کتاب و فرهنگ برگزار شد.

«کاظم موسوی بجنوردی»، رئیس مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ضمن تشکر از استادان و پژوهشگرانی که در این کار همکاری داشته و دارند، گفت: «مدیون تلاش تک‌تک شما هستم. یکی از قدما گفت ما فقط دانشنامه‌نویس هستیم گفتم شما بهترین کار را بلدید. اینجا محمل حضور بزرگان فقیدی چون شرف‌الدین خراسانی، عنایت‌الله رضا، ایرج افشار، عباس زریاب‌خویی، آذرتاش آذرنوش، محمدحسن گنجی، محمدابراهیم باستانی پاریزی، احمد اقتداری، احمد تفضلی، قمر آریان، فاطمه کریمی، بدرالزمان قریب بود که هریک سهم تحسین‌برانگیزی داشتند و دارند.»

سرویراستار دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ادامه داد: «بزرگ‌ترین داشته ما فرهنگ ملی ماست. ما ملتی بودیم که پس از اسلام، جهان‌بینی ایرانی را به جهان‌بینی اسلامی پیوند دادیم و با این امتداد، نقش برجسته‌ای در شکوفایی تمدن اسلامی ایفا کردیم. هر جلد ۲۰۰ مدخل و هر مدخل ۱۰ بار گردش دارد یعنی در هر جلد حدود دوهزاربار ملاحظه و بررسی رخ می‌دهد. امیدوارم این راه را ادامه دهیم و چراغ اینجا را روشن نگه داریم، زیرا مصمم به حفظ فرهنگ ایران هستیم.»

علی‌اشرف صادقی، عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی دیگر سخنران این مراسم گفت: «در ایران از حدود هفتادسال پیش به این‌سو بزرگانی که رفتند، نظیرشان پیدا نشد. از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می‌خواهم مثال بزنم که قدمگاه کسانی چون جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، ابراهیم پورداوود، محمدتقی مدرس رضوی، پرویز ناتل خانلری، ذبیح‌الله صفا و صادق کیا بود.»

### بزرگانی که بی‌جانشین رفتند

این استاد بازنشسته دانشگاه تهران ادامه داد: این مرکز نیز عباس زریاب‌خویی و احمد تفضلی و بدرالزمان قریب و محمدحسن شرف گنجی و عنایت‌الله رضا و خیلی‌های دیگر بودند که جانشین نیافتند. با کوشش‌هایی برای دریافت بودجه، امیدوارم این مرکز رونق گذشته را بیابد و شتاب گذشته که هرسال جلد جدید می‌آمد، این روند ادامه یابد. سپس «اصغر دادبه»، مدیر بخش ادبیات و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز گفت: «اگر قرار باشد کیفیت حفظ شود، باید حواس‌مان باشد. من موافق راه‌های جذب جوانان هستم ولی نه به قیمت فروافتادن کیفیت مقالات. به قول دکتر فتح‌الله مجتبایی مقاله باید پخته شود. سرهم‌بندی نمی‌شود. باید رنج کشید تا پخته شود. اگر با معیار مادی بسنجیم، دیوانه هستیم و جز پخته‌شدن راهی نیست. این است که به فرهنگ ایران خدمت می‌کنید و نام‌تان می‌ماند.»

«سیدمصطفی محقق داماد»، مدیر بخش حقوق و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز گفت: «به چهل‌سال قبل برمی‌گردم؛ کاظم موسوی بجنوردی مرا صدا زد برای تألیف دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. وقتی در جلسه نخست حاضر شدم خود را در مقابل سه اقیانوس یافتم؛ شرف‌الدین خراسانی، عباس زریاب‌خویی و سیدفتح‌الله مجتبایی، و من یک طلبه از قم آمده. احساس کردم در مقابل دریاهایی مواج هستم. پیش خودم گفتم این ایده عملی‌شدن نیست. اما او ذره‌ای تردید نداشت. خوشحالم که این همت بلند به نقطه اکنون رسیده است.»

### جامعیت در حال کاهش است

«علی بهرامیان»، معاون علمی و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی از دیگر سخنرانان این مراسم بود که گفت: «چیزی که اهمیت دارد، تربیت نیروهای علمی است که آن را در سطح مقبول نگه دارند. تحصیلات کنونی کافی نیست و نازل است اما باید آسیب‌شناسی شود. فرهنگ ایرانی و اسلامی به‌گونه‌ای است که نمی‌شود کسی فقط در شاخه خاصی متخصص شود. جامعیت در حال کاهش است درصورتی که برای محقق بودن باید همه‌چیز را دانست و این در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی بویژه مهم‌تر است. برای بعضی مداخل در مجلدات جلوتر، متخصص نداریم. برای ادامه پیدا کردن باید کوشش کرد و جامعیت را به‌دست آورد. اما امیدوارم جلدهای بعدی، یکی پس از دیگری منتشر شوند.»

آخرین سخنران، «نصرالله پورجوادی»، مدیر بخش فلسفه و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز در سخنان کوتاهی عبور از گردنه‌ها برای رسیدن به موفقیت کنونی را ستود و اظهار امیدواری کرد جلد بیست‌وششم به‌زودی منتشر شود. گفتنی است که در پایان این مراسم، از جلد بیست‌وپنجم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و همچنین لوگوی چهلمین سال بنیادگذاری این مرکز رونمایی شد.